کریم کشاورز،
مترجم متقدم

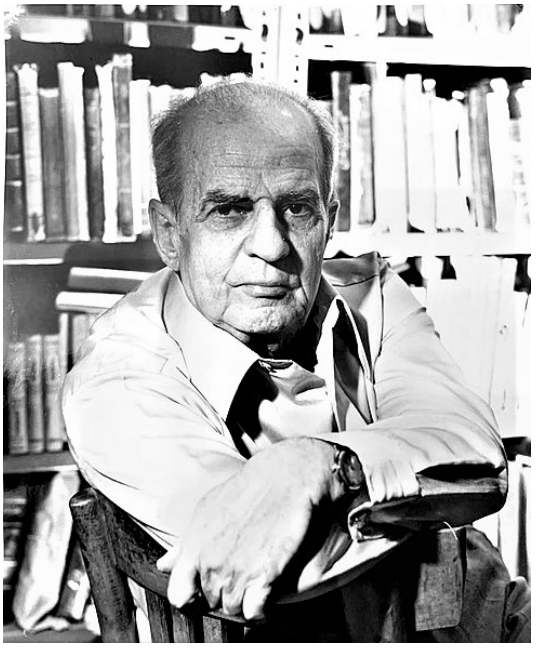

بسیار مفتخریم که در این شماره از مترجم در حد وسع خود از یکی دیگر از مفاخر ترجمهٔ ایران تقدیر می‌کنیم: از کریم کشاورز، مترجم پرکاری که از روسی و فرانسه ترجمه می‌کرد. اگر مترجمان دورهٔ قاجار را پرچمداران ترجمه در دوران معاصر بنامیم، مترجمان دهه‌های بیست تا پنجاه را باید متقدمین بدانیم، کسانی که راه پرچمداران را ادامه دادند و تصحیح و تثبیت کردند و میراث آنها امروزه در اختیار نسل جدیدی از مترجمان یعنی مترجمان متأخر است، مترجمانی که گاه از این میراث غافل و از یاد این بزرگان که با مجاهدت فراوان راه نثر امروز را هموار کردند فارغ هستند.

به‌راستی هرچه زمان می‌گذرد، نه‌فقط اهمیت، بلکه کمبود چنین مترجمانی را بیشتر حس می‌کنیم، مترجمانی که در تواناسازی نثر فارسی معاصر نقش بسزایی داشتند. این مترجمان

که از دل فرهنگ ادبی ایران بیرون می‌آمدند هیچ‌گاه از دغدغهٔ زبان فارسی غافل نبودند و با شور و انگیزه‌ای متعهدانه به کار ترجمه می‌پرداختند. این مترجمان، صرف‌نظر از ایدئولوژی که به آن معتقد بودند، تعهدی انکارناپذیر به زبان فارسی داشتند و توانستند بین فارسی قدیم و فارسی امروز پلی بزنند و از داشته‌های زبان فارسی در تحول این زبان استفاده کنند.

ماهنامهٔ *کتاب امروز* در شمارهٔ خرداد ۵۱ خود در آستانهٔ هفتادسالگی کریم کشاورز با او گفت‌وگوی مفصلی کرده است. افرادی که دراین گفت‌وگو شرکت دارند عبارتند از: عنایت‌الله رضا، مهرداد بهار، احمد سمیعی و محمدرضا حکیمی. سردبیر، کریم کشاورز را چنین توصیف می‌کند: «مردی است دارای عالی‌ترین صفات و سجایا، مردی است دانشمند و کاری، با خلقی شوخ و مهربان و طبعی منیع و نجیب.» آقای عنایت‌الله رضا نیز می‌گوید:

بنده در شروع گفت‌وگو لازم می‌دانم شگفتی خودم را از کار پرثمر آقای کشاورز ابراز دارم. ایشان واقعاً خدمت بزرگی به کشور و مردم ما کرده‌اند. ایشان کار همه‌جانبه‌ای کرده‌اند: همین ترجمهٔ *قهرمان دوران ما* از لرمانتوف نه‌تنها یک اثر ادبی پرارزش است، بلکه یکی از مهم‌ترین رمان‌های پسیکولوژیک روسی است. قسمت دیگر ترجمه‌های ایشان در زمینهٔ ایران‌شناسی است که باز باید اعتراف کرد به‌قول خود روس‌ها کار ایشان «رازماخ» یعنی دامنهٔ پهناوری دارد... باری، آثاری که آقای کشاورز از این بزرگان به فارسی برگردانیده‌اند کار کمتر کسی بوده است. ما در ایران کسی را نمی‌شناسیم که به اندازهٔ ایشان قدرت و اهتمام نشان داده باشد. واقعاً نصف این آثار هم برای عمر یک نفر مترجم یا یک نفر اهل علم کافی است. از این نظر هم باید آقای کشاورز را ستود که با گذشت زمان و کسالت مزاج از پا نیفتاده‌اند و هنوز به هر کاری دست می‌زنند آن را به بهترین وجه انجام می‌دهند. بنده به‌عنوان کسی که با ترجمه کمابیش سروکار داشته و با زبان روسی آشنایی دارد باید صادقانه اعتراف کنم که در زبان فارسی هیچ‌کسی را نداشته و نداریم که توانسته باشد در ترجمهٔ آثار روسی به فارسی نیمی از خدمت آقای کشاورز را انجام داده باشد و پیش از همه آن زبان را خوب درک کند.